

پزشکیان در دیدار با علی‌اف با جمله‌ای معنادار از اشتراکات دو کشور گفت

باکو مثل تبریز



زهرا طبیبی خبرنگار گروه سیاست

اسرائیل در سال‌های اخیر تمرکز و برنامه‌ریزی جدی برای افزایش حوزه نفوذ خود در منطقه قفقاز انجام داده است، جمهوری آذربایجان از جمله کشورهای قفقاز است که به‌منوعی راه را برای بازی اسرائیلی‌ها در منطقه قفقاز هموار می‌کند. همسایگی جمهوری آذربایجان با ایران و استراتژیک بودن این منطقه برای اسرائیل از جمله دلایلی است که اسرائیل برای حضور

در این منطقه برنامه‌ریزی جدی‌ای می‌کند. سفر یک‌روزه رئیس‌جمهور به جمهوری آذربایجان، درست در شرایطی اتفاق افتاد که ترکیه و اسرائیل برنامه‌ریزی جدی‌ای برای افزایش نفوذ خود در منطقه قفقاز انجام می‌دهند. به همین منظور مذاکرات ترکیه و اسرائیل در مورد سوریه نیز با حضور مقامات کشور باکو انجام می‌شود. استفاده از دیپلماسی فعال در قفقاز ناظر به اهمیت این سفر شاید می‌تواند تا حد زیادی برگسترش نفوذ اسرائیل در منطقه سایه بیندازد. علاوه بر این توجه ویژه بر اتمام طرح‌های نیمه‌تمام کریدوری و تجاری در ایران، اقدامی مؤثر، برای جلوگیری از شیطنت‌های

حسن گلی:

پیوندهای تاریخی راهی برای مقابله با نفوذ اسرائیل



اتکا بر پروژه‌های ناتمام اقتصادی و کریدوری ایران و آذربایجان می‌تواند، فرصت خوبی برای بهبود روابط دو کشور باشد، موضوعی که در سفر روز گذشته رئیس‌جمهور به آذربایجان نیز مورد اشاره قرار گرفت. یکی از آن پروژه‌ها، کریدور ناتمام زنگه‌زور است، تکمیل این پروژه‌ها می‌تواند، در حوزه سیاسی نیز برای دو کشور نتایج مثبتی به همراه داشته باشد اگرچه شیطنت‌های رژیم صهیونیستی که در سال‌های گذشته، در نقش آفرینی ایران در قفقاز سایه انداخته را نباید نادیده گرفت. حسن گلی، کارشناس مسائل قفقاز در گفت‌وگویی که با ما داشته به ابعاد مختلف و آورده‌های احتمالی سفر رئیس‌جمهور پرداخته که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

سفر رئیس‌جمهور می‌تواند نقطه عطفی برای پایان کدورت‌ها باشد

حسن گلی در مورد اهمیت سفر رئیس‌جمهور، در موقعیت و شرایط فعلی منطقه گفت: «روابط ایران و آذربایجان در حداقل سه دهه گذشته با فراز و فرودهایی که داشته، مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و حتی بین‌المللی بوده است و طبیعتاً روابط صمیمانه دو کشور واجد اهمیت بوده، مخصوصاً در شرایط خاص امروز نظام بین‌الملل و وضعیت ویژه‌ای که منطقه ما دارد. طبیعتاً این روابط از ویژگی‌ها و اهمیت‌های خاصی برخوردار است. باتوجه به اینکه دولت جدید ایران، در ادامه سیاست همسایگی دولت قبلی، البته با علاقه به توسعه روابط با کشورهای همسایه، گام برداشته است. این سفر در امتداد سفرهایی است که آقای پزشکیان به چند کشور آسیای میانه داشت و اهمیت منطقه قفقاز برای ایران را یکبار دیگر نشان می‌دهد. ویژگی خاص این سفر این است که پس از مشکلاتی که در روابط ایران و آذربایجان طی دو سه سال گذشته اتفاق افتاده بود، این سفر می‌تواند به‌عنوان نقطه عطفی در روابط و پایان‌بخش همه سوءتفاهم‌ها و کدورت‌هایی باشد که در روابط دو کشور وجود داشته است. از نگاه جمهوری آذربایجان، بعضی نامهربانی‌ها را در روابط دوجانبه طی دو سه سال اخیر شاهد بودیم. مذاکرات و نفس این سفر می‌تواند پایانی بر این روند نه‌چندان خوب این دو سه سال اخیر و آغاز روابط محکم و روبه جلو برای هر دو کشور باشد.»

باید جا را برای افزایش نفوذ اسرائیل در منطقه تنگ کنیم

نمی‌توان این گزاره را انکار کرد که جمهوری آذربایجان، زمین بازی صهیونیست‌هاست، حسن گلی در مورد اینکه راه مواجهه با این نفوذ در منطقه قفقاز چیست، گفت: «از جمله عواملی که همواره تأثیر منفی پر روابط ایران و آذربایجان گذاشته که به عنوان طرف ثالث در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود، همین مسئله رژیم‌صهیونیستی است و تلاشی که این رژیم برای تعمیق نفوذ خود در منطقه قفقاز جنوبی، چه در آذربایجان، چه ارمنستان و حتی گرجستان دارد. الان که بحث آذربایجان مطرح است، اسرائیل علاقه‌مند است با یک کشور مسلمان و با اکثریت جمعیت شیعه در کنار مرزهای جمهوری اسلامی ایران، روابط مستحکمی برقرار کند و تا حدود زیادی هم در این امر موفق شده است. یکی از نگرانی‌های ایران یا یکی از ملاحظات ایران در ارتباط با آذربایجان این بوده است که آذربایجان، به‌عنوان کشوری که عضو سازمان همکاری‌های اسلامی است و جمعیت غالب آن مسلمان‌اند، بایستی الزامات حکمرانی در نظام بین‌الملل به‌عنوان یک کشور اسلامی را رعایت کند. یکی از ملاحظات افکار عمومی داخل کشور و همچنین نظام سیاسی و دستگاه سیاست خارجی کشور این بوده که در بنبوحه این یک‌ونیم سالی که در غزه این اقدامات و جنایات غیرانسانی جریان داشته، انتظار حداقلی افکار عمومی کشور و جهان اسلام این بوده که دولت‌های اسلامی حداقل روابط اقتصادی خود را با رژیم‌صهیونیستی کاهش دهند، ما این را در روابط اسرائیل و آذربایجان متأسفانه شاهد نیستیم. بخش عمده‌ای از انرژی مورد نیاز اسرائیل را جمهوری آذربایجان تأمین می‌کند و در سایر بخش‌ها نیز ما شاهد نزدیکی و پیوند نامبارک اسرائیل و جمهوری آذربایجان هستیم. در اینجا دو نگاه وجود دارد: یک نگاه مبتنی بر این است که حالا که روابط رژیم‌صهیونیستی و آذربایجان گسترش یافته، ما باید دور باشیم و نباید وارد این روابط شویم یا آن را ارتقا ببخشیم، که من مخالف این دیدگاهم. اتفاقاً ما، به‌عنوان کشوری که پیوندهای تاریخی با آذربایجان داریم، تا همین دو قرن پیش، مردم ایران و مردم آذربایجان در یک واحد سیاسی زندگی می‌کردند و در کنار هم بودند؛ الان هم بحث همسایگی، اشتراکات زبانی، اشتراکات دینی، اشتراکات مذهبی. این ما هستیم که باید با تقویت روابط‌مان با جمهوری آذربایجان، جا را برای ارتقای روابط با دولت تانیا‌هو و تل‌آویو تنگ کنیم. این‌ها چالش‌های روابط ایران و آذربایجان است. راه مواجهه با نفوذ اسرائیل در منطقه، ارتقا و تعمیق روابط ایران و آذربایجان در سطح مختلف، از جمله در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی است تا این مسئله بتواند زمینه کاهش روابط اسرائیل و آذربایجان را فراهم نبیارد. این را هم بایستی در نظر بگیریم که بخشی از آنچه در مورد روابط آذربایجان و اسرائیل از طرف اسرائیلی‌ها و رسانه‌های اسرائیلی مطرح می‌شود، چه بسا بزرگنمایی باشد؛ از باب اینکه روابط ایران و آذربایجان را تحت تأثیر قرار بدهند. همین الان هم که آقای پزشکیان در سفر جمهوری آذربایجان هستند، شما می‌بینید که بعضی رسانه‌های اسرائیلی از سفر قریب‌الوقوع تانیا‌هو به آذربایجان صحبت می‌کنند و تلاش‌هایی انجام می‌دهند تا روابط ایران و آذربایجان همیشه روابطی تنش‌آمیز باشد. نقطه مقابل این باید سیاست خارجی ما باشد که یک روابط مستحکم و دوستانه بین ایران و آذربایجان ایجاد کند.»

سفر رئیس‌جمهور؛ فرصتی برای تکمیل پروژه‌های ناتمام

گلی اشاره‌ای به چالش‌های روابط ایران و آذربایجان کرد و گفت: «ما با آذربایجان – که حدود ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک داریم و ارتباطات دیرینه‌ای در همه سطوح، همان‌طور که عرض کردم، داریم –باید در همه حوزه‌ها روابط مستحکمی داشته باشیم. در عالم سیاست خارجی، یک‌سری واقعیت‌های خوشایند یا ناخوشایند وجود دارد. یکی از این واقعیت‌ها این است که به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان علاقه‌منددی جدی برای تعمیق روابط با ایران ندارد. برعکسش را اگر جمهوری آذربایجان بخواهد ثابت کند، بایستی گام‌های عملی بردارد تا نشان دهد از عزم جدی برای برقراری روابط همه‌جانبه و مستحکم با جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. اگر بخواهیم مصداقی صحبت کنیم که در چه حوزه‌هایی باید این علاقه‌منددی را نشان بدهد؟ بحث کریدور شمال – جنوب، که یک بحث اساسی است و می‌تواند در تجارت منطقه و حتی تجارت جهانی تغییرات اساسی به نفع کشورهایی که در این حوزه‌قرار گرفته‌اند ایجاد کند، سرعت مبادلات را افزایش دهد و هزینه مبادلات تجاری را کاهش دهد و هم آذربایجان و هم ایران ذی‌نفع کریدور شمال – جنوب‌اند. اما ما از مدت‌ها قبل شاهدیم که تلاش جدی از طرف آذربایجانی برای اتمام این پروژه صورت نگرفته است که باید جدی‌تر اقدام کنند. قرار بود آذربایجان در احداث ریل بخشی از کریدور شمال – جنوب در منطقه قزوین تا رشت یا رشت تا آستارا مشارکت داشته باشد، که این هیچ‌گاه محقق نشد. این بحث مالی که قرار بود مشارکت کنند، در حالی که خیلی هم در کشور خودشان در رسانه‌ها تبلیغ کردند که دارند مشارکت می‌کنند، ولی هیچ‌گاه عملی نشد. شاهدیم که ظرفیت ریلی جمهوری آذربایجان نسبت معناداری با آنچه که بایستی برای تحقق کریدور شمال – جنوب داشته باشد، وجود ندارد. باید وضعیت ریلی خود را چندین برابر کند تا این کریدور بتواند محقق شود. این یکی از آن حوزه‌هایی است که در کمسیون مشترک همکاری‌های دو کشور و در سفر آقای رئیس‌جمهور، بایستی مدنظر باشد. یا کریدور ارس که از منطقه آنبند جمهوری اسلامی ایران در حال احداث است تا جمهوری آذربایجان را به شکل ایمنی به جمهوری خودمختار نخجوان متصل کند؛ این هم بایستی شاهد باشیم که کارهای اجرایی‌اش سرعت بگیرد و عملاً محقق شود. خیلی از منازعات و چالش‌های منطقه‌ای، که با طرح مسائلی مثل کریدور زنگه‌زور مطرح می‌شود، کریدور ارس می‌تواند پایانی بر این مجادلات باشد و روابط مستحکمی را بین ایران و آذربایجان ایجاد کند و یکی از چالش‌های موجود را بین کشورهای منطقه مرتفع سازد. الان در آذربایجان شاهدیم که در مناطق آزادشده در قریباغ و مناطق پیرامونی آن، کارهای عمرانی مختلفی صورت می‌گیرد. یکی از نشانه‌های اینکه جمهوری آذربایجان اراده‌ای برای تحکیم روابط با ایران دارد، می‌تواند این باشد که شرکت‌های ایرانی علاقه‌مند به حضور و فعالیت و سرمایه‌گذاری در این مناطق مجوز پیدا کنند. الان چندین سال از این مسئله گذشته و شرکت‌های کشورهای دیگر مثل ترکیه و متأسفانه رژیم‌صهیونیستی در این مناطق، در مناطق همجوار ما فعالیت می‌کنند اما شرکت‌های ایرانی مجال آن را پیدا نکردند که در این منطقه فعالیت کنند و کار اقتصادی انجام دهند. اگر این مسائل حل شود، ما می‌توانیم امیدوار باشیم که روابط ایران و آذربایجان بعد از یک دوره پرتنش، وارد مسیر معقول و منطقی شود.»

اسرائیل در منطقه قفقاز و تهدیدسازی برای ایران است. در همین راستا نیز روز گذشته نزدیک به ۷ تفاهم‌نامه مشترک بین ایران و آذربایجان در حوزه‌های رایزنی سیاسی، حمل‌ونقل، مبادلات تجاری، همکاری‌های بهداشتی، رسانه‌ای و سرمایه‌گذاری به امضا رسید. علاوه براین به نظر می‌رسید رئیس‌جمهور توجه ویژه‌ای به اجرای دیپلماسی فرهنگی در روابط با آذربایجان داشته است. اقدامی که تلاشی مثبت به نفع تقویت و بهبود روابط دوکشوره به شمار می‌رود. مسعود پزشکیان در دیداری که با علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان داشت به اشتراکات فرهنگی، تاریخی و زبانی

مهدی سیف‌تبریزی:

باید در قفقاز به بازیگری فعال تبدیل شویم



سفر رئیس‌جمهور به جمهوری آذربایجان در شرایطی برگزار شد که چند هفته آینده قرار است تانیا‌هو در مورد مذاکرات سوریه به جمهوری آذربایجان سفر کند. نفوذ اسرائیل در منطقه آذربایجان انکارناپذیر است، موضوعی که می‌تواند اهمیت این سفر و لزوم گوشزد کردن شیطنت‌های احتمالی رژیم‌صهیونیستی از این منطقه را مورد توجه قرار دهد، در گفت‌وگویی که با مهدی سیف‌تبریزی، کارشناس مسائل قفقاز داشتیم به ابعاد و اهمیت این سفر در موقعیت فعلی منطقه‌ای پرداختیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

باید به طرف آذربایجانی، شیطنت‌های احتمالی رژیم را گوشزد کرد

سیف‌تبریزی سفر رئیس‌جمهور به آذربایجان را هم‌زمان با شروع دور جدید مذاکرات، مثبت ارزیابی کرد و گفت: «در برهه فعلی که جمهوری اسلامی وارد مذاکرات هسته‌ای شده است و مشکلات و چالش‌هایی که در یک سال و نیم، دوسال گذشته، بعد از طوفان الاقصی با اسرائیلی‌ها در منطقه پیدا کردیم، این سفر با توجه به تأثیرگذاری‌هایی که اسرائیل در منطقه آذربایجان دارد و نوع روابطی که با جمهوری آذربایجان دارد، اهمیت دارد و برای آنکه ایران بتواند، برخی از شیطنت‌ها و اثرگذاری‌های طرف ثالث را در روابط ایران و آذربایجان کنترل کند و به شکلی از به وجود آمدن جبهه جدید، در همسایگی خودش جلوگیری کند، باید این سفر انجام می‌شد، زمان درستی برای سفر انتخاب شد، اما آنچه مهم است انتقال پیامی است که باید از سوی آقای پزشکیان به طرف آذربایجانی منتقل شود. جمهوری اسلامی همیشه بر مبنای حسن نیت با همسایگان خود رفتار کرده است، مخصوصاً آذربایجان که در حوزه تمدنی ایران قرار می‌گیرد و اشتراکات فرهنگی، مذهبی، تاریخی، جغرافیایی زیادی با آذربایجان داریم. با این شرایط می‌توان به آذربایجانی‌ها تفهیم کرد که از شیطنت کشورهای ثالث در نوع روابط با ایران جلوگیری کنند و بگوید ایران حواسش به این شیطنت‌ها هست. هم‌زمان می‌توان بر اشتراکات و گسترش روابط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تأکید داشته باشیم. به هر صورت کشوری که ۱۰ میلیون جمعیت دارد و به لحاظ مذهبی و فرهنگی اشتراکات بالایی دارد، ما می‌توانیم، بیشترین، تجارت را در میان همسایگان با جمهوری آذربایجان برقرار کنیم. اما در سال‌های اخیر به دلیل اثرگذاری کشورهای ثالث و برنامه‌هایی که کشورهای مثل اسرائیل و انگلیس، بعضاً در منطقه اجرا می‌کردند این روابط با نوسانات زیادی روبه‌رو بوده است، کریدور زنگه‌زور یک نمونه است، نمونه‌های دیگر، اتفاقی که در سفارت آذربایجان در ایران افتاد؛ بهره‌برداری و برداشت غلطی که طرف آذربایجانی از این اتفاق در ایران داشت، اشتباهات برداشتی و مفهومی که در درگیری‌های قریباغ اتفاق افتاد. ایران در سال‌های گذشته در مورد آذربایجان حمایت‌هایی داشته است، اما آنچه در رسانه‌ها بازتاب پیدا می‌کرد، کاملاً برعکس بود و ایران را دشمن آذربایجانی‌ها جلوه می‌دادند و از همه مهم‌تر نوع روابطی که ایران می‌تواند با همسایگان خودش از جمله ارمنستان برقرار کند، کاملاًیکه آذری‌ها در روابط ارمنستان و ایران حساس بودند و این را در تضاد با نوع روابط خود با ایران می‌دانستند، به نظر می‌رسد مهم‌ترین خروجی‌ای که این سفر می‌تواند داشته باشد تفهیم این مسائل به طرف آذری است. الزاماً دیدار کردن و برگشتن و چند طرح خاص را کلید زدن نمی‌تواند خروجی خاصی برای جمهوری اسلامی داشته باشد، نمی‌تواند چالش‌هایی که با جمهوری آذربایجان داشتیم را برطرف کند. به نظر می‌رسد دستگاه دیپلماسی کشور باید در این سفر به‌نوعی برخورد کند که ما بتوانیم مسائل عمده سیاسی –امنیتی خودمان را که با طرف آذری داریم، برطرف کنیم و به یک مفهوم مشترک برسیم. الزاماً نمی‌تواند مواضع خیلی منطقی باشد ولی باید دوطرف به یک درک مشترک برسند تا بتوانیم در آینده شاهد این باشیم که دو طرف می‌توانند یک رابطه بدون چالش و بدون سوءتفاهم را برای آینده خودشان برنامه‌ریزی کنند.»

اولین قدم برای اثبات حسن نیت آذربایجان، بازگشایی مرززمینی

علی‌اف در بخشی از نشست به این موضوع اشاره کرد که روابط با ایران وارد فصل جدیدی خواهد شد، مواضعی که سیف‌تبریزی معتقد است بیشتر کارکردی رسانه‌ای دارد، وی گفت: «اگر بخوایم یک بازگشت به عقب داشته باشیم به نظر می‌رسد، این چندمین بار است که این [فصل نوین] کفته می‌شود. در دوره‌های قبلی هم با روسای‌جمهور قبلی این هم صحبت‌ها شده است، ولی فقط در بعد رسانه‌ای بود و در عمل اتفاق خاصی میان ایران و آذربایجان نیفتاد. من احساس می‌کنم این نوع بیانی که آقای علی‌اف داشت، کاملاً رسانه‌ای است و برای تحت تأثیر قرار دادن جو عمومی که در ایران هست، اتفاق افتاده است و چیزی که تا الان مشهود بوده، بیشتر اعلامی بوده تا اعمالی. اگر نخواهیم سیاه‌نمایی کنیم فکر هم نمی‌کنم با دست‌فرمانی که آقای علی‌اف مدنظرش هست، بتوانیم شاهد یک تحول بزرگ در نوع ارتباط ایران و آذربایجان باشیم. اگر اشتباه نکنم، کمتر از یک هفته دیگر آقای علی‌اف می‌زبان تانیا‌هو است. اینکه در دوره‌ای که گذشت حضرت آقا چندین و چند بار، به این نکته به‌صورت غیر مستقیم اشاره کردند که کشورهای که به‌صورت تجاری، روابط گسترده‌ای با رژیم‌صهیونیستی دارند، باید در این روابط تجدید نظر کنند، چون جهان اسلام به قطع روابط تجاری با اسرائیل احتیاج دارد. برای حمایت از مردم غزه، ولی شما شاهد بودید که به هیچ عنوان از سمت جمهوری آذربایجان این اتفاق نیفتاد و دولت آقای علی‌اف، در تقابل با خواسته‌های ایران اسلام، حرکت کرد. چون اثرگذاری رژیم‌صهیونیستی در ساختار‌های آذربایجان بسیار پررنگ است. ما می‌دانیم که یک رقابتی در منطقه شکل گرفته، رقابتی بین ترکیه و رژیم‌صهیونیستی و ایران و اینکه این دو ضلع [ترکیه و رژیم‌صهیونیستی] با آذربایجان ارتباطات بسیار قوی دارند و به این منطقه سفر می‌کنند. به همین خاطر می‌گویم که صحبت‌های آقای علی‌اف مبنی بر اینکه دوره جدیدی از روابط ایران و آذربایجان قرار است شروع شود، فقط بعد رسانه‌ای دارد. آقای اف اگر می‌خواهد این دوره جدید را نشان بدهد. شاید در اولین اقدام باید مرزهای زمینی ایران به آذربایجان را بازگشایی کند؛ چیزی که بسیار در روابط ایران و آذربایجان مهم است. ما تمام روایتی را برداشتیم، ورود از آذربایجان به ایران آزاد است، ولی به بهانه‌های مختلف، از جمله بعد از شیوع ویروس کرونا، مرز زمینی ایران و آذربایجان کاملاً بسته شده و تجارت زمینی مابین تجار دو کشور نمی‌تواند اتفاق بیفتد. به نظر می‌رسد اولین اقدام ایشان برای اینکه حسن نیت خودش را ثابت کند بازگشایی مرز زمینی باشد. غیر از این باید بگویم که باز هم یک برداشت رسانه‌ای و گفتمانی است که برای رسانه اتفاق می‌افتد و جنبه عملی نخواهد داشت.»

برای افزایش نفوذ ایران در قفقاز می‌بایست بازیگری ایران در این منطقه تغییر کند

سیف‌تبریزی در مورد اینکه لازم است چه اقداماتی برای گسترش حوزه نفوذ ایران در قفقاز انجام شود، گفت: «برای اینکه ما بتوانیم به گسترش حوزه نفوذ در قفقاز برسیم، باید اول درک خودمان را از نوع رابطه با آذربایجان اصلاح کنیم. نکته مهمی که ما در این چند سال به آن می‌پردازیم و بسیار مهم است این است که در شرایط فعلی ریل‌گذار روابط ایران و آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران نیست. آن کسی که نوع روابط را مابین این دو کشور تعیین می‌کند و در جمهوری آذربایجان اثرگذاری دارد، طرف ثالث است. اگر این بخواهد در منطقه قفقاز اثرگذاری داشته باشد، بتواند روند‌ها را در منطقه قفقاز تعیین کند و ساختار‌های جدیدی شکل دهد که بتواند در این حوزه نفوذی که دارد، چه در ارمنستان و چه در آذربایجان، اثرگذار باشد، ابتدا باید نوع نگاه خودش به این منطقه را تغییر دهد. ما تا قبل از جنگ قریباغ در سال ۲۰۲۰، به هیچ عنوان در منطقه قفقاز بازیگری نداشتیم. حالا بنا به دلایلی، چون این منطقه را جزء حوزه نفوذ روسیه می‌دانستیم و به هیچ عنوان دوست داشتیم با روس‌ها در این منطقه وارد درگیری یا بحث چالشی بشویم، برای همین به هیچ عنوان در این منطقه بازیگری نداشتیم؛ می‌توانم بگویم تقریباً صفر بوده است. اما بعد از سال ۲۰۲۰، فرصتی به وجود آمد. جنگ دوم قفقاز فرصت را در اختیار ایران گذاشت که بتواند در این منطقه اثرگذاری داشته باشد. متأسفانه دولت وقت در آن زمان نگاه تأثیرگذاری به منطقه قفقاز نداشت و زمانی که آتش‌بسی داشت فعال می‌شد در آن منطقه، ما کاملاً کنار نشستیم و نظاره‌گر بودیم. درصورتی‌که منافع جمهوری اسلامی در آن منطقه دخیل بود و در این فرایند صلح می‌توانست دخیل باشد، ولی ما باز هم تعلل کردیم و وارد این فرایند نشدیم. بعد از اینکه ساختار‌ها شکل گرفت پس از جنگ ۲۰۲۰، ما فرمت سه به علاوه سه را مطرح کردیم که تقریباً می‌توان گفت تا الان آن کارایی که وزارت خارجه ما و دستگاه دیپلماسی ما در نظر داشتند، به هیچ عنوان به آن نرسیدیم. یک‌سری نشست برگزار می‌شود که گرجستان به هیچ عنوان در این نشست‌ها شرکت نمی‌کند. دو کشور دیگر، یعنی ترکیه و آذربایجان هم روندشان را بازی می‌کنند. ایران و روسیه نتوانستند همگرایی ایجاد کنند و منافع مشترک در منطقه قفقاز برای خودشان تعریف کنند. تقریباً می‌شود گفت سه به علاوه سه کارکردی ندارد، جز اینکه چند نشست برگزار شده است. به این شکل نمی‌توانیم منافع‌ی را در حوزه نفوذ فرهنگی و تمدنی خودمان، که قفقاز است، تعریف کنیم. لب کلام این است که اگر جمهوری اسلامی بخواهد در منطقه قفقاز اثرگذار باشد و بازیگر فعال باشد، باید نگاه خودش را به این منطقه تغییر بدهد. تعاریف خودش را نسبت به نوع بازیگری خودش در منطقه تغییر بدهد و یک شش جدی و بزرگ را برای خودش قائل شود؛ فارغ از اینکه روس‌ها یا کشورهای ثالث که در این منطقه هستند چه نوع بازیگری می‌کنند. ابتدا ما باید ببینیم در این منطقه چه می‌خواهیم. تقریباً می‌شود گفت قریب به اتفاق فعالیت‌هایی که در این منطقه انجام می‌دهیم، واکنشی است؛ واکنش به اتفاقاتی که در منطقه قفقاز می‌افتد. درصورتی‌که ما می‌توانیم بر اساس قدرتی که در این منطقه داریم و فرصت‌هایی که در این منطقه داریم، روندساز باشیم، ساختارساز باشیم، این هم مستلزم این است که ما در دستگاه دیپلماسی‌مان یک تغییر جدی در تعاریف نسبت به منطقه قفقاز داشته باشیم.»

فرهیختگان

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴



شماره ۴۳۹۸



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳

۳